

حاکمی در سال ۱۲۹۴ شمسی در خانواده‌ای قدیمی و سرشناس در شهر رشت دیده به جهان گشود. تحصیلات ابتدایی و متوسطه خود را در آن شهر به پایان رسانید. آنگاه به تهران آمد و در دانشسرای عالی دانشگاه تهران سرگرم تحصیل شد و در سال ۱۳۱۷ به همراه تنی چند از نخستین گروه دانش آموختگان رشته باستان‌شناسی موفق به اتمام رشته معماری پرداخت و در سال ۱۳۴۳ شمسی از دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران موفق به اخذ مدرک فوق لیسانس در معماری شد. فعالیت او هم در موزه و هم در محوطه‌های باستانی ارزنده و چشم‌گیر بود. ضمن آنکه موزه‌داری بخش تاریخی موزه ملی ایران را به عهده داشت، دائماً کوله‌بار سفر بر دوش می‌گرفت و به کاوش در گوشه و کنار کشور می‌پرداخت. چه بسیار تپه‌ها و محوطه‌های باستانی که حاکمی پای در آنها نهاد و کلنگ او برای دستیابی اسرار فرهنگ‌ها و تمدن‌های مدفون شده در آنها، دیوار قرون را در هم شکافت.

او بود که اول بار، سالها قبل از آنکه هیئت باستان‌شناسان آمریکایی قدم در حسنلوی آذربایجان غربی بگذارند، در این محوطه بسیار مهم باستانی، به همراه همکارش محمود راد کاوش کرد و گزارش نتایج به دست آمده را در مجلد اول گزارش‌های باستان‌شناسی ۱۳۲۹ به چاپ رسانید.

از کاوش‌های مهم دیگر او کاوش در محوطه پیش از تاریخی (هزاره چهارم پیش از میلاد) تپه موشلان، اسماعیل آباد آبیگ است که آثار بدست آمده از آن به مرجع و منبع شناخت دیگر فرهنگ‌های هم‌دوره در حوزه فلات مرکزی ایران است. متأسفانه جز مقاله‌ای کوتاه در سالنامه کشور ایران در سال ۱۳۲۶ شمسی، گزارش کامل این کاوش با همه اهمیت و ارزش آن تاکنون چاپ و منتشر نشده است.

حاکمی گیلانی بود و به فرهنگ و تمدن‌های ساکن در سرزمین خود عشق می‌ورزید. به همین دلیل به بررسی و کاوش در حوزه زادگاهش روی آورد. نخست با سمت معاون و دستیار شادروان دکتر محسن مقدم در رأس هیئتی از باستان‌شناسان ایرانی در سال



درگذشت پیش کسوت باستان‌شناسی

علی حاکمی از نسل نخستین باستان‌شناسان ایرانی بود که کمی بعد از تأسیس موزه ملی ایران (موزه ایران باستان) به خدمت موزه و اداره کل باستان‌شناسی درآمد و به اتفاق تنی چند، انگشت شمار که از پیشگامان باستان‌شناسی صحرایی ایران به شمار می‌روند، همچون فریدون توللی، محمود راد، صادق صمیمی، حبیب‌اله صمدی، جواد کامبیز، حسین بصیری، علی سامی چرخ باستان‌شناسی کشور را به گردش درآوردند.

حاکمی که عمری پر بار و بالنسبه طولانی داشت بیشتر از همکاران خود در این راه گام برداشت و توانست خدمات ارزنده‌ای به باستان‌شناسی ایران عرضه کند.



یک دوره باشد، که هست، حرف سیگما در وجه A همان حالتی را دارد که دلتای وجه B (نگاه کنید به نوشته دو وجه سنگ در طرح صفحه ۶۶ کالی‌یری). از طرفی از طریق مقایسه حروف که شیوه کاملاً مطمئنی برای مطالعه نیست و با ملاحظه تفاوت در حروف A - E - Σ - K به نظر می‌رسد دلیل قانع کننده‌ای ارائه نشده است.»

۳ - با توجه به اسناد موجود، این سنگ برای اولین بار توسط نگارنده کشف و معرفی گردیده و مغایر آن مدرک قابل اعتنائی ارائه نشده است.

۴ - سنگ مسافت‌نمای پیدا شده در مرودشت، برخلاف نظر ارائه شده

توسط آقای تیلیا، فاقد رنگ قرمز در درون گود رفتگیهای درون کتیبه می‌باشد و همین امر می‌رساند که این سنگ باید با سنگ مسافت‌نمای مورد نظر آقای کالی‌یری تفاوت داشته باشد.

۵- سؤال دیگری که همکاران باستان‌شناس در مورد مقاله آقای کالی‌یری مطرح می‌کردند این است که چرا خبر سنگ مسافت‌نمای یافت شده توسط آقای تیلیا در جایی انعکاس نیافته و به موزه تخت‌جمشید تحویل نشده است.

تهران. مرداد ۱۳۷۶

بقیه از صفحه ۳

درگذشت پیش کسوت باستان‌شناسی

۱۳۳۸ به بررسی در ارتفاعات و کوهپایه‌های گیلان (لاهیجان، رودسر، دیلمان، کلیشم، پیرکوه، بویه، بنه زمینی و ...) پرداخت.

آنگاه خود سرپرستی هیئت کاوشهای باستان‌شناسی گیلان را به عهده گرفت و در جوبن، شام، کلورز و بسیاری از محوطه‌های باستانی حوزه سفید رود و رحمت‌آباد گیلان کلنگ زد.

کشف آثار اواخر دوره مفرغ در گورستان کلورز و آثار پارتی در جوبن از آن میان ارزشی بسیار دارد.

کاوش در محوطه باستانی شهداد (لوت کرمان) از اهمیت خاصی برخوردار است. حاکمی که ابتدا با هیئت بررسیهای جغرافیایی دشت لوت و شادروان دکتر مستوفی از لوت بازدید کرد با تیزهوشی باستان‌شناسانه وجود فرهنگ و تمدن غنی در شهداد را تشخیص داد و ۶ فصل در آنجا به کار پرداخت. حاصل کار او کتابی است قطور با نام «شهداد» (کاوش‌های باستان‌شناسی یک مرکز دوران برنز در ایران) که توسط آقای سید منصور سیدسجادی به انگلیسی ترجمه و توسط مؤسسه ایزمئو در ایتالیا به چاپ رسید.

حیف که خود مؤلف فرصت مطالعه اثر خود را پیدا نکرد و هنگامی که برای شرکت در جلسه‌ی قدردانی از کار او در شهداد به رم رفته بود در ۱۶ تیرماه ۱۳۷۶ (۷ جولای ۱۹۹۷) دیده از جهان فروبست.

حاکمی بسیار کار کرد، اما کم نوشت. جز کتاب شهداد، مقالات و نوشته‌های پراکنده‌ی چندی در زمینه باستان‌شناسی از او چاپ و منتشر شده است.

حاکمی در طول خدمت خود در تشکیلات باستان‌شناسی منشاء خدمات بسیار و مصدر امور گوناگون بود. او دوبار به ریاست موزه ملی ایران (موزه ایران باستان سابق) انتخاب شد. عضویت در شورایی عالی باستان‌شناسی، عضویت در هیئت تحریریه مجله باستان‌شناسی و هنر، عضویت در هیئت حفاظت و کارشناسی اشیاء عتیقه و ... از مسئولیتهای دوره خدمت او بود.

سخن آخر این که مهندس علی حاکمی از خادمان فرهنگ این سرزمین بود و دوستداران و علاقمندان فرهنگ ایران هرگز نام و یاد او را فراموش نخواهند کرد.

مجله اثر یاد این پیش کسوت باستان‌شناسی را گرامی داشته و از خداوند منان برای وی طلب آمرزش می‌نماید.

محمود موسوی